نشریه روزانه
پانزدهمین جشنواره بین المللی
نمایش عروسکی
تهران - مبارک
یکشنبه - ۲۳ شهریورماه ۱۳۹۳

به وسعت کهکشان روشنایی‌ها

پیام معاون امورهنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

به نام آفریدگار روشنایی و مهر

گستره هنرهای نمایشی، بی‌تردید همزاد و همراز انسان و زندگی و حیات فکری و معنوی اوست، از آن رو که دغدغه‌ها، تخیلات و آرزوهای آدمی را به نمایش درآورده و تمایلات ناگزیر او برای برقراری ارتباط با دیگران را تامین کرده است.

در این میان، پیکرک‌های دست‌ساز با قدمتی ۴ هزار ساله، طلایه‌دار تلاش‌های نمادین و دامنه‌دار بشر برای بیان، بررسی و تصحیح نگرش و رفتار انسانی شده و شاید رمز این دیرینگی و پیوند زلال و مستمر را بتوان در نیاز فطری انسان به آفرینش‌گری و نیز صمیمیت، ظرفیت و انعطاف شگفت دنیای عروسکی باز جست. دنیایی سرشار از سادگی، مهربانی، گذشت و... هر آنچه در کهکشان روشنایی‌ها دیده می‌شود و فاصله‌هایی قابل تامل با دنیای سنگی برخی دیگر دارد که جهان را در تیرگی و پلشتی، بیشتر دوست می‌دارند.

طبعا جشنواره‌ای با چنین کرانه‌هایی، فرصتی استثنایی برای استقرار پل‌هایی است که دل تماشاگرانش را به جایی فراتر از مرزهای مرسوم جغرافیایی، برای بازشناسی حقایق مشترک و گمشده‌های آشنای بین ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف می‌برد. پانزدهمین دوره از برگزاری جشنی که اینک هویت جهانی یافته است، با اطمینان می‌تواند محلی مناسب برای قدم زدن در حوالی هنر آفرینش‌گرانی باشد که در پی کشف خیر و زیبایی و معنویت و آزادگی‌های تعالی‌بخشند و پیوندهای تازه را با سایر ملل، در عین پاسداشت میراث‌ملی و بومی، جست‌وجومی‌کنند.

با این نگاه و انتظار، سربلندی هنرمندان و صاحب‌نظران حاضر در این رویداد و توفیق برگزارکنندگانش را از خداوند بزرگ مسألت می‌کنم.

علی مرادخانی
معاون امورهنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
شهریورماه ۱۳۹۳

یادداشت دبیر جشنواره

حس خوب شادی مشترک

دیروز یکی از روزهای عجیب زندگی من بود؛ عجیب و دوست داشتنی.

با وجود این که سرم گیج می‌رفت، نفهمیدم فاصله‌ی دفتر ستاد جشنواره تا تئاتر شهر را چطور طی کردم، انگار عروسک‌ها من را روی دست‌شان گرفته بودند و با خود می‌بردند.

خیلی وقت بود احساس شادی به این عمیقی نکرده بودم، این اندازه شادی به خاطر شادی اطرافیانم بود. شادی بچه‌های تئاتر عروسکی، شادی مردم که همراه بچه‌هایشان با ما راه می‌رفتند، شادی کاسبان محل که کسب و کارشان را تعطیل کرده بودند و از ما عکس و فیلم می‌گرفتند، شادی مسافران اتوبوس که حیرت‌زده سرهایشان را از پنجره بیرون آورده بودند و با صورت خندان، این جمعیت رنگی را تماشا می‌کردند و شادی همکاران خوبم خانم معتمدآریا، آقای جبلی، خانم کرامتی و آقای نجفیان که با حضورشان به شادی مردم افزودند، دم همه‌شان گرم...

مرضیه برومند

یادداشت

هفت ویژگی یک عروسک‌گردان(تئاتر و تلویزیون)خوب!

محمد لقمانیان
عروسک‌گردان و بازیگر

«عروسک‌گردانی» یا «بازی‌دهندگی عروسک» یا «جان‌بخشی عروسکی» یا... (که بزرگان تئاتر عروسکی هنوز به یک عنوان واحد برای انتخاب اسـم نرسـیده‌اند) هنری بسیار دشوار و دوست‌داشتنی‌ای است. اگر کسی قصد ورود به این حرفه را داشته باشد، علاوه بر اینکه باید استعداد و عشق و صبر بالایی داشته باشد، گزینه‌های زیر را نیز باید دارا باشد:

آنقدر عاشق حرفه‌اش باشد تا همه به دیوانه بودنش اعتراف کنند!

به مرور زمان به گودی کمر، درد مفاصل، آرتروز مزمن و لرزش انگشت اخت پیدا کند!

به طرز اعجاب‌انگیزی هشـتش گرو نه‌اش باشـد و اصلا به روی خود نیاورد!

خودش را مدام گول بزند که «عروسـک‌گردانی» در جامعه‌اش یک شغل محسوب می‌شود!

آرزوی داشتن شهرت و معروفیت را با خود به گور ببرد تا عروسک نازنینش دیده شود!

همیشـه پشت پرده باشد! با جلوی صحنه و مناسـبات برون‌صحنه‌ای کاری نداشته باشد!

چشم دیدن همه همکارانش را داشته باشد و همه را از دم قبول داشته باشد!

به بچه‌های نسل جدید امیدوارم

مریم سعادت

مریم سـعادت دانش‌آموخته رشته تئاتر دانشگاه تهران با گرایش نمایش عروسکی است. او فعالیـت خود را از سـال ۱۳۶۰ در نمایش‌های کانون پـرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد و در نمایش‌های کودک و عروسکی بسیاری در مقام بازی‌دهنده، بازیگر و طراح عروسک همکاری داشته است.

امسـال کارهای رنگ و وارنگ زیادی خواهیم دید. همه کارهایی را که انتخاب شـده‌اند دوسـت داشتم و به بچه‌های نسل جدیدی که به جشنواره آمده‌اند بیش از اندازه امیدوارم. کارهای این دوره فانتزی لازم را دارند و متنوع هستند. به هرحال بچه‌های این نسل نسبت به ما که در سال‌های اولیه جشنواره شرکت می‌کردیم، با کارهای به‌روز جهان آشناتر شده‌اند. دوسال پیش کارهای جشنواره را دنبال نکردم. امسال هم وقتی دیدم دوست قدیمی و دلسوزی مثل مرضیه برومند به جشنواره آمده است، فهمیدم جشنواره خوبی پیش‌رو داریم.

حاشیه
روز اول

نخستین روز جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی برای خیلی از ما و بچه‌ها ماندگار شد؛ جشنی که بزرگ‌ترها، کودکان و عروسک‌ها در آن حضوری چشمگیر داشتند. کارناوال عروسکی از خیابان فلسطین شروع شد و در نهایت به محوطه تئاترشهر رسید و در این فاصله بازی‌دهندگان عروسک‌ها، به همراه کودکان عروسک‌های خود را به حرکت درآوردند.

گروه‌های خارجی هم در این گردهمایی حضور داشـتند و همراه نمایشـگران ایرانی، عروسـک‌های خود را به حرکت درآوردند. میزبانان این جشـن با بادکنک‌های رنگی به میهمانان خوشامد گفتند. در کنار بادکنک‌ها، پلاکاردهایی هم در دست بچه‌ها بود؛ پلاکاردهایی با شعارهای آموزشی و بهداشتی مانند: «عروسک‌ها زباله تولید نمی‌کنند» و «با ما به دنیای عروسک‌ها بیایید» و...

افتتاح جشنواره پانزدهم با سخنرانی مرضیه برومند دبیر این دوره صورت گرفت و در ادامه فاطمه معتمدآریا، حمید جبلی و مهتاب کرامتی هر یک از کودکان و رابطه آنها با نمایش‌های عروسکی گفتند و آرزو کردند که جهانی همراه با صلح برای کودکان داشته باشیم.

جشنواره با بالا رفتن بادکنک‌ها رسما کار خود را آغاز کرد و سپس گروه‌های نمایشی هر یک در نقطه‌ای از تئاترشهر به اجرای نمایش پرداختند.

در نخستین روز از آغاز جشنواره، نمایشگاه عکس‌های حمید جبلی در سریال «خونه مادربزرگه» در لابی تئاترشهر برپا شد و علاقه‌مندان به تماشای این عکس‌ها رفتند.

در این مراسم حسین طاهری مدیر کل مرکز هنرهای نمایشی نیز حضور داشت و تنها به خوشامدگویی اکتفا کرد. او نیز آرزو کرد که دیگر جنگی در دنیا نباشد و کودکان در صلح و آرامش زندگی کنند.

داستانک‌های بامزه

سیاوش بهادری راد
نویسنده نمایش
کنار ستاره ها بر می گردم

متن نمایش «کنار ستاره‌ها برمی‌گردم» متعلق به چه زمانی است؟
متن نمایش برای همین جشنواره نوشته شده است، اما در مورد زمان آن باید بگویم که لازمان است و زمان مشخصی ندارد.

کمی در مورد متن و دغدغه آن توضیح بدهید.
متن از داسـتانک‌های بامزه‌ای تشـکیل شده است. اشـاره کردم که متن بی‌زمان است، اما به هر حال متن مقاطع مختلف زندگی مردی را روایت می‌کند که در این مقاطع، به خاطر بیماری فراموشـی، درگیری‌های خودش را دارد و حالا در زندان منتظر حکم اعدام است و سعی در به یادآوردن گذشته خودش دارد و هنگامی که چیزهایی را به یاد می‌آورد متوجه می‌شود که چه چیزهای مهمی را جا گذاشته است و با خود نیاورده و از این بابت مدام خود را سرزنش می‌کند و در زندگی‌اش همیشه به جای دیگران به خودش شک می‌کند و در حالی که حتی نمی‌داند به چه جرمی باید اعدام شود سعی در به یادآوردن جرمش می‌کند، ولی زمانی که به نتیجه نمی‌رسد با خود می‌گوید که من حتما جرمی بزرگ مرتکب شده‌ام که نباید آن را به یاد بیاورم.

تعامل شما با کارگردان چطور بود؟
تعامل من با کارگردان واقعا فوق‌العاده بود، خانم بهروزی‌نیا واقعا حرفه‌ای هستند و کارشان را خیلی خوب بلدند. نمایشی که در جشنواره از متن شما اجرا می‌شود چقدر به متن اصلی نزدیک است؟
خیلـی زیـاد. از همان ابتدا که خانم بهروزی‌نیا لطف کردند و از من برای همکاری دعوت به عمل آوردند، نکاتی را مطرح کردند و نکاتی را هم من مطرح کردم و بر همین اساس شروع به نگارش متن کردم و کم‌کم رسیدیم به آنچه که امروز شاهد آن هستیم. ما کاملا با هم در تعامل بودیم و خانم بهروزی‌نیا نگارش متن را کاملا در اختیار من گذاشته بودند، البته نکاتی را به لحاظ اجرایی مطرح می‌کردند و اگر در مورد متن نظری داشتند می‌گفتند و من آن نظرات را از فیلتر خودم عبور می‌دادم که در نهایت به این متن رسیدیم.

یونیمای امسال را در مقایسه با سال‌های قبل چطور می‌بینید؟
من فکر می‌کنم یونیمای امسـال نسـبت به سال‌های قبل موفق‌تر خواهد بود. من مدت‌ها پیش کار عروسکی انجام می‌دادم و الان در جریان چند و چون اعداد و ارقام جشـنواره نیسـتم، ولی فکر می‌کنم جشـنواره می‌توانسـت از آنچه که هست بهتر هم باشد، البته اگر انسـجام بیشتری وجود می‌داشت و مسئولان با خانم برومند که زحمات بسیاری برای جشنواره کشیدند بیشتر همکاری می‌کردند. جشنواره عروسکی باید بسیار بیشتر از آنچه هست در جامعه مطرح شود. این جشنواره هر دو سال یک‌بار برگزار و بعد هم به فراموشـی سـپرده می‌شود. متاسفانه از تئاتر عروسـکی که در همه جای دنیا اهمیت بسیاری به آن داده می‌شود حمایتی صورت نمی‌گیرد و در مقابل تئاتر صحنه‌ای بسیار مظلوم واقع شده است. برای مثال مشکلاتی که باعث استعفای خانم برومند شد و اتفاقی شـبیه به این برای جشـنواره فجر سال گذشته هم اتفاق افتاد و به همه بچه‌هایی که برای جشنواره آماده می‌شدند تنش بدی را وارد سـاخت و حتی به نوعی آنها را ناامید کرد. البته من در دوره‌های پیشـین یونیما تحت عناوین مختلف حضور داشته‌ام و فکر می‌کنم الان برای اعلام نظر در مورد یونیمای امسال کمی زود است.

آرزوی عروسک ها جهانی پر از صلح و آرامش

گفت و گو

جشنواره بهانه‌ای بزرگ برای دوست‌داشتن یکدیگر

زهره بهروزی‌نیا از دغدغه‌هایش برای انتخاب یک متن حرف می‌زند. انتظار دارد دیوار میان تئاتر عروسکی و انسانی فرو بریزد و یکی شوند. استاد دانشگاه هنر، جشنواره را فرصتی برای با هم بودن می‌داند و آرزو دارد عروسکی‌ها هرسال دور هم جمع شوند، نه هر دو سال یک‌بار.

آیا همیشه معیار مشخصی برای انتخاب یک متن و به اجرا رساندن آن دارید؟
ملاک همیشـگی من برای انتخاب متن این اسـت که نمایشـنامه فاکتورهای لازم را برای نمایش عروسکی شدن داشته باشد. واقعیت این اسـت که چه در ایران و چه در جاهای دیگر دنیا نویسنده‌هایی که فقط نمایشنامه عروسکی بنویسـند، انگشت‌شمارند. نویسنده‌ها بیشـتر نمایشـنامه‌ها و تئاترهای انسـانی را برمی‌دارند و تبدیل به نمایشنامه عروسکی می‌کنند.

چه دغدغه‌ای داشتید که به این ایده رسیدید؟
معتقدم هر متنی که انتخاب می‌شود باید متناسب با شرایط اجتماعی و زمانه باشـد. البته منظورم این نیسـت که اثر تاریخ مصرف داشته باشـد، اما وقتی قرار اسـت مفاهیمی غیرانسانی نظیر جنگ یا دروغ را نشـان دهیم، باید آن را با شرایط روز جهانی یا اجتماعی خودمان متناسب کنیم. همچنین همه و خصوصا کسانی که در تئاتر عروسکی فعالیت دارند، باید بدانند قرار بر این است برای مخاطب نمایش اجرا کنیم. باید تا می‌توانیم از شـعار «هنر برای هنر» فاصله بگیریم و به فکر مخاطب و دغدغه‌های اجتماعی او باشیم.

چه شـد که ایده «کنار سـتاره‌ها برمی‌گـردم» را اجرایی کردید؟
ایـده «کنار سـتاره‌ها برمی‌گردم» خیلی سـاده به نظرم رسـید. متاسـفانه شـاهد هسـتیم این فرهنگ غلط در کشـورمان وجود دارد کـه فقط به نقاط ضعف یکدیگـر توجه می‌کنیم و پیش خود نمی‌گوییـم اگر فلانـی در انجام یک کاری ضعف دارد، شـاید در انجام سایر کارها از هرکس دیگری تواناتر باشد. در نمایش قبلی‌ام، حمیدرضا نعیمی زحمت بازنویسی متن را کشیده بود و قبل‌تر هم نیما دهقانی نمایشنامه را برایم نوشته بود. این بار هم برای نگارش متـن «کنار سـتاره‌ها برمی‌گردم» به سـراغ سـیاوش بهادری‌راد رفتم. بیشـتر می‌خواستم با یک نگاه دیگر به ایده‌ام بپردازم. از دی ماه گذشـته روی این ایده کار کـردم و تصمیم گرفتم آن را برای جشنواره بفرستم. سیاوش بهادری‌راد از اوایل بهمن کار روی متن را شـروع و اواخر فروردین نمایشـنامه را تمام کرد، بعد هم آقای بهبهانی به جمع ما اضافه شد.

به‌عنوان یک استاد رشته نمایش عروسکی، فکر می‌کنید چه آسیبی تئاتر عروسکی ما را تهدید می‌کند؟
متاسفانه در کشـور ما بین تئاتر انسانی و عروسکی مرزبندی وجود دارد و این خیلی درسـت نیست. باید بدانیم در دنیایی که آدم‌های آن از چندکیلومتری با هم در ارتباطند و مرزها برداشـته شـده‌اند، مرز میان هنرها نیز در حال برچیده شـدن اسـت. چرا باید به تئاتر عروسـکی نگاهی جداگانه داشـت و آن را در کنار تئاترهای انسانی دیگر قرار نداد؟

جشنواره مبارک امسال را چطور می‌بینید؟
متاسـفانه این جشنواره معتبر هر دوسـال یک‌بار برگزار می‌شود. جشنواره تنها بهانه برای ما عروسکی‌ها است که می‌توانیم برای آن به تولید اثر بپردازیم و اگر طوری بود که هر سـال برگزار می‌شـد، حتما تئاتر عروسـکی ما رونق بیشـتری می‌گرفت. هر جشنواره‌ای متناسب با دبیری که مسئول برگزاری آن است، سیاست‌های خود را دنبال می‌کند. من از جشـنواره امسـال را به خاطـر صمیمیت و آرامشـی که در آن وجود دارد، دوسـت دارم. تلاش دبیر جشنواره بـرای برگزاری هرچه بهتر آن کاملا مشـهود اسـت. باید به همه «خسته نباشـید» گفت. این جشـنواره بهانه‌ای بزرگ است برای دوست‌داشتن یکدیگر.

یادداشت
ما وتئاتر عروسکی(۲)

دلخوشی‌های تئاتر عروسکی

منوچهر اکبرلو

می خواهم از رابطه افسانه و تئاتر عروسکی سخن بگویم؛ آمال، مشکلات و دلواپسی ها و داشته ها و نداشته های کودکان، کودک بازیگر، با بازی هیجان انگیز یک تجربه مفید و با بهره گیری از همذات پنداری و همانند سازی، در ساخت اثر نمایشی حضور می یابد و همه چیز را به شکل ملموس و واقعی تجربه می کند.

این مفهوم، مبتنی بر این فرض است که کودک با مشاهده شرح حال یک قهرمان کامل با تمام مشخصه هایش، در زندگی خود نیز به ارزش های مشابه پایبند خواهد بود. کودک برای مانوس شدن با الگوهای رفتاری که می باید در آینده در عالم واقعیت به کار ببرد، نقش بازی می کند. نمایش خلاق عروسکی ، افسانه را تصویر می کند و به کودک اجازه می دهد مشاهدات خود را تجزیه و تحلیل کند تا بتواند این قابلیت را بیابد که در زندگی واقعی به تفسیر و تعبیر رویدادهای و پیشامدهای خصوصی خود بپردازد.

در نمایش خلاق عروسکی، تماشاگر واقعی همان کودک نمایشگر است، اما در تئاتر خلاق عروسکی، تماشاگر غیر بازیگر نیز وادار به تجربه همان حوادث و رویدادهایی می شود که بر شخصیت روی صحنه می گذرد و او نیز در نهایت می تواند به داوری بنشیند. به نظر نگارنده به عنوان دستمایه های لازم برای یک خلق یک نمایش تاثیر گذار عروسکی، افسانه همتایی ندارد؛ و البته شادی و شعفی که کودک از واکنش مساعد در برابر یک افسانه ناب به دست می آورد و جذبه ای که از این رهگذر احساس می کند از ارزش روان شناسانه آن ناشی نمی شود (هر چند که این ارزش هم در آن دخالت دارد) بلکه از کیفیت ادبی افسانه و قابلیت های دراماتیک آن سرچشمه می گیرد.

در نمایش عروسکی برای کودک، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، قصه است و همه چیز تحت الشعاع آن قرار می گیرد. افسانه به دلیل دارا بودن ابعاد «فانتاستیک» و چارچوب منظم و منسجمی که دارد قادر است مخاطب را به سرعت و صراحت، جذب نمایش کند و خطوط کلی خود را آشکار سازد.

افسانه به سرعت آغاز می شود و این با علاقه کودک پیوند می خورد که در کمترین زمان ممکن به سراغ ماجرا می رود: «روزی روزگاری در زمان های قدیم یک پادشاه با سه دخترش زندگی می کرد...»

کودک از همان نخست، وارد ماجرا می شود و طرح سریع مساله اصلی و مهم جلوه دادن آن، تمرکزی کامل در کودک ایجاد می کند.

ویژگی های مشخص افسانه، به نمایشگران عروسکی یاری می رساند که هر چه زودتر ساختار مناسب با آن افسانه را بیابند و همگن ساختن فرم و محتوا و سوژه؛ مقدمه ای است برای موفقیت کامل یک اثر نمایشی.

یادداشت

عروسک‌ها آدم‌ها را مهربان‌تر می‌کنند

جهانی پراز
صلح و آرامش
برای کودکان
آرزو می کنیم.

مهتاب کرامتی بازیگر سینما و تئاتر و نماینده کودکان ایران در یونیسف

من از طریق آقای پیمان شـریعتی تقریبا دو سـال پیش با جشنواره همکاری داشتم و در آن زمان هماهنگی‌هایی انجام دادیم برای اینکه جشنواره با یونیسف همکاری داشته باشد.

امسال از ابتدا خودم در جریان جشنواره بودم و افتتاحیه به خوبی برگزار شد و امیدوارم تا آخر جشنواره همه مسائل به خوبی پیش برود، چون جشنواره هرچقدر با شکوه‌تر برگزار شود بهتر است و مردم لذت می‌برند. مسئله اصلی و مهم برنامه‌ریزی برای بعد از جشنواره است. روال صحیح این اسـت که در طول سـال نمایش‌های عروسـکی ساخته و اجرا شود و در پایان سال تمامی نمایش‌ها در جشنواره کنار هم قرار بگیرند، اما در حال حاضر در جشـنواره نمایش‌ها به روی صحنه می‌آیند و متاسـفانه بعد از آن اجرای عمومی ندارند و ضروری اسـت که برنامه‌ریزی در این حوزه ادامه‌دار باشد.

خیلی خوشحالم که خانم برومند عزیز با علاقه زیادی که به بچه‌های نمایش عروسکی دارند و با پافشاری‌هایی که داشتند توانستند خانه عروسک را تاسیس کنند. بچه‌های نمایش عروسکی باید اینجا را مانند خانه خود بدانند و از آنها حمایت شود تا بتوانند کار کنند.

اما چیزی که در حال حاضر اهمیت دارد این است که تئاتر بیننده زیادی پیدا کرده است. سالن‌های تئاتر پر هستند، در همین حال تعداد سالن‌های تئاتر رو به افزایش است که اتفاق بسیار خوبی به شمار می‌رود و حالا ما باید این موضوع را جا بیندازیم که تئاتر عروسکی فقط برای کودکان نیست و بزرگسالان هم می‌توانند از آن لذت ببرند.

حضور هنرمندان می‌تواند به این مسئله کمک بسیاری کند. ما خاطرات بسیار خوبی با نمایش‌های عروسکی دوران کودکی‌مان داریم که از یادمان نمی‌رود. عروسک‌ها برای بزرگسالان نوستالژی دارند و باعث می‌شوند آدم‌ها مهربان‌تر شوند.

اما همه این اینها زمانی ممکن اسـت که مسـئولان حمایت کنند. اگر حتی تئاتر عروسـکی برای کودکان هم شـکل بگیرد - که قطعا باز هم بزرگسـالان لذت می‌برند- باعث می‌شـود نمایش دیدن و تئاتر رفتن جزء عادات آنها شود که در بزرگسالی خیلی در روحیه آنها تاثیر می‌گذارد. این کار فرهنگ‌سازی است که در آینده نتیجه درخشانی خواهد داشت. مسئولان را باید متوجه این موضوع کرد که مسئولیت دارند. اگر حمایت صورت بگیرد و عروسک‌های جدید ساخته شوند و نمایش‌های عروسکی به روی صحنه بیایند، فضای شادی در جامعه شکل خواهد گرفت.

Radiant and Vast as the galaxy

Message of Deputy Minister of Culture and Islamic Guidance for Arts affairs

In the name of the creator of love and light,

The broad range of the performing arts is unmistakably a companion to humans and their spiritual lives and has created many ways for them to communicate and relate to each other. Meanwhile, handmade Effigies with a history of 4000 years are symbols of human›s attempt to remark, research and explore different aspects of human›s behaviors and characteristics. Our innate emotional needs can be found in the world of small figures; lovely and friendly, a beautiful innocent world, radiant and vast as the galaxy.

The festivals like the 15th international puppet festival of Tehran-Mobarak are a golden opportunity for creating a good and solid relationship with the audience and transcend geographical borders, like the missing piece of a puzzle, connect our forgotten mutual and similar interests. With this perspective, I wish all attendees success and pride.

Ali Moradkhani
Deputy Minister of Culture and Islamic Guidance for Arts Affairs
September 2014

داستان یک
عروسک

پهلوان پنبه

مردی تنومند اما ضعیف و ترسو

پهلوان پنبه نام شـخصیت و نام داسـتانی در خیمه شب بازی است. در شرح این ترکیب آمده: مسخره‌ای که تمام تن خود را پنبه گیرد و با حلاجی که کمان در دست دارد به رقص آید و حلاج، در میان رقص کم‌کم پهلوان را با زدن کمان عور و برهنه کند، یعنی تمام پنبه‌های تن او را بر باد دهد. به این ترتیب می‌توان پذیرفت از این بازی ریشـه گرفته باشـد: عریان کردن کسی که هیکل نزار خود را به یاری پنبه‌هایی که به خود بسته جسیم و پرقدرت وانموده و در نتیجه او را چنان که هست به مردم نمودن و رسوا کردن.

پهلوان پنبه، به‌عنوان لقبی خاص، سابقه تاریخی نیز دارد: در زمان محمد شاه قاجار و ناصرالدین شاه، در روز معینی پادشاه در بالاخانه ارگ که مشـرف بر میدان ارگ بود جلوس می‌کرد و قسـمتی از میدان را برای کشـتی‌گیری مهیا می‌کردند. ابتدا زمین را با بوته و جارو می‌پوشـاندند، بعد روی آن خاک رس آلوده به روغن چراغ می‌ریختند و بدین گونه لایه چرب و نرمی فراهم می‌شد تا اگر پهلوان‌ها زمین خوردند هیچ جاشان عیب نکند. هر پهلوانی که آن روز در مسابقه پیروز می‌شد به‌عنوان پهلوان در پایتخت می‌ماند و جایزه مقرری برایش برقرار می‌کردند. یک سال پهلوان فرج نامی که ضمنا پسرعموی گوهرخانم و خاورخانم (دو تن از زنان سوگلی ناصرالدین شاه) بود از کاشان داوطلب زورآزمایی با پهلوان پایتخت شد و هرچه کاشی‌ها نصیحتش کردند که باعث آبروریزی ما مشـو گوش به حرف آنها نداد. روز دوم فروردین که روز مسـابقه بود با همان هیکل و اندام ریز نقش خود به میدان آمد و همه رقیبان را شکست داد. در هر حال فرج، که در کاشان به او پهلوان پنبه لقب داده بودند، دوسال پهلوان پایتخت شد.

منبع: فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی آیینی و سنتی ایران ، پوپک عظیم‌پور ، انتشارات نمایش

مردم
نازنین

دلایل زیادی وجود دارد که نمایش «کناره ستاره‌ها برمی‌گردم» را دوست داشته باشم. مهم‌ترین این دلایل بدون شک دغدغه متن است. به نظرم دغدغه متن، بسیار شریف و در عین حال بسیار متناسب با روزگار امروز ماست. به نوعی می‌توان گفت وضعیتی که کاراکتر اصلی نمایش در آن به سر می‌برد وصف حال همه ماست. دلیل دیگر، بازیگر نمایش یعنی آقای بهرام بهبهانی است که با توجه به اینکه تنها بازیگر نمایش است، هم در مقام بازیگر و هم در مقام بازی‌دهنده ایفاگر نقش‌های مختلف است و به خوبی از عهده این مسئولیت‌های مهم و سخت برآمده. از دیگر عواملی که باعث می‌شود نمایش را دوست داشته باشم این است که کارگردان سعی کرده تقریبا از همه تکنیک‌های نمایش عروسکی اعم از میله‌ای، کاغذی، دستکشی و غیره استفاده کند که در نوع خود بسیار جالب توجه است.

نمایش تیستوی سبزانگشتی بر گرفته از داستانی با همین نام، نوشته دوریس دروئون است به ترجمه لیلی گلستان. قصه نمایش هم همان است منتها با یک روایت متفاوت. نغمه ثمینی نمایشنامه را به زبان خودش بیان کرده است. اضافه کردن یک راوی به اثر و جنایی کردن قصه با حضور یک پلیس که به دنبال سرنخی است تا تیستوی گم شده را پیدا کنند، وجه تمایز این نمایش با اصل رمان است.

بین الملل

کشوری با تاریخ غنی

خانم آملا واسنویچ از صربستان با تئاتر عروسکی «آن دورها» به جشنواره آمده است.

در گذشـته علاقه مند بودم در این جشنواره شرکت کنم اما این اولین بار است که چنین فرصتی به دست آورده ام.

من در فسـتیوال های زیادی در سراسـر دنیا شـرکت کرده ام و در طی این مسافرت ها دوستان ایرانی بسـیاری پیدا کرده ام. همه ما تصورات خوبی راجع به این جشـنواره داریم و امیدواریم که حقیقت امر نیز با این تصورات همخوانی داشته باشد و کمی و کاستی نباشد و باید این مطلب را مد نظر قرار داد که عروسـک ها را نمی توان به جنبه های سیاسـی و یا دولتی نسبت داد، چرا که این شخصیت های عروسکی ذاتا با یکدیگر دوست هستند و رابطه ای فراتر از اینها دارند.

در درجه اول یکی از نکات بسـیار مهم و مثبت این فسـتیوال ها برخورد رو در رو ی افراد اسـت که این اجازه را به ما می دهد تا از تجربیات یکدیگر به شـکل سـازنده ای اسـتفاده کنیم. البته باید به جایزه جشـنواره هم اشـاره کرد که نمی توان از آن گذشت و تا حدودی حالت رقابتی را بر این فسـتیوال حاکم می کند ولی در کل با افزایش تعاملات بین افراد می توان امیدوار بود که در همایش های آینده شاهد تئاتر هایی با کیفیت بهتر و سطح بالاتر باشیم.

به طور کلی اینکه چند فرهنگ کنار یکدیگر قرار بگیرند به خودی خود عملی سـازنده اسـت چرا که این امر خود باعث شکوفایی فرهنگی خواهد شد.

از طرفی دیگر باید خاطر نشـان شـد که یک جنبه از این تعامل فرهنگ ایران اسـت و در قدمت و غنی بودن آن شـکی نیسـت. همچنین تئاتر ایران هم به تبع فرهنگ آن بسـیار قوی اسـت و دارای تجربیات بسـیاری است. مطمئنا حضور در کنار چنین کوهی از تجربه باعث پیشرفت دیگر کارگردان ها و همچنین تئاتر ایران خواهد بود.

کـــوتاه از نمایش‌های امروز

روز دوم
در یک نگاه

۱) کنار ستاره‌ها برمی‌گردم
کارگردان: زهره بهروزی‌نیا نویسنده: سیاوش بهادری‌راد
نمایش درباره پسری بسیار بلند قد است که به دلیل قد بلندش به مشکلات زیادی در اجتماع برمی‌خورد. او به بیان این مشکلات می‌پردازد و حوادث نمایش را جلو می‌برد.

۲)حاکمی که دیگر حاکم نیست
کارگردان: اکرم ابوالمعالی نویسنده: اکرم ابوالمعالی
حاکمی متوجه گم شدن قلبش می‌شود و برای پیدا کردن آن به سرزمین‌های دور سفر می‌کند. در بین راه با دخترکی آشنا می‌شود و...

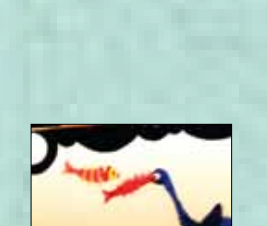

۳)آهای تو دیگه کی هستی
نویسنده و طراح و کارگردان: عادل بزدوده
داستان نمایش در مورد غازی است که فکر می‌کند زشت‌ترین موجود روی زمین است، به همین دلیل با ترفندهای مختلف قسمتی از بدن پرندگان دیگر را قرض می‌گیرد و به حیوان عجیبی که فکر می‌کند زیباست تبدیل می‌شود، اما...

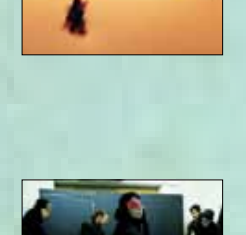

۴)بادهایی که به ساحل نمی‌رسند
کارگردان: اکبر حسنی
این نمایش داستان دلدادگی دو جوان است که در منطقه‌ای در سواحل دریای جنوب زندگی می‌کنند و با حضور نیروهای افسانه‌ای و خدایان دریا و زار در فضای سنتی باورها و رسوم جنوب ایران، داستان با این شیوه نمایش عروسکی در هم می‌آمیزد و فضایی خیالی می‌آفرینند.

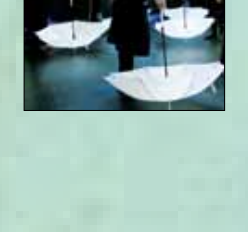

۵)اپرای لیلی و مجنون
کارگردان: بهروز غریب‌پور
لیلی و مجنون، دختر و پسری نابالغ هستند که در مکتب‌خانه به یکدیگر دل می‌بندند. خواستگاری خانواده پسر به نتیجه نمی‌رسد و حتی به جنگ قبیله‌ای می‌انجامد. جنگی که مجنون در آن طرف دشمن (طایفه عروس) را می‌گیرد. لیلی را به مرد مالداری شوهر می‌دهند و...

صحـــنه ای

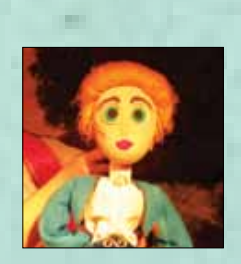

۷) آن دورها
کارگردان: آملا واسنویچ نویسنده: آملا واسنویچ
آن دورها، قصه عاشقانه شیرینی درباره خاطرات پسر جوانی است، خاطرات او و از جست‌وجویش برای عشق زندگی‌اش تا با او ازدواج کند...

۸) هینینگ
کارگردان: ژانگ کونرونگ
در یک بعدازظهر تابستانی گربه کوچولو تصمیم می گیرد برای ماهیگیری به دریاچه‌ای پر از نیلوفر آبی برود. همه جا ساکت و آرام است و فقط صدای جیرجیرک ها می آید، در ابتدا گربه کوچولو موفق به گرفتن ماهی نمی شود و از پس از مدتی برای فرار از تنهایی دنبال پروانه‌ای می دود...

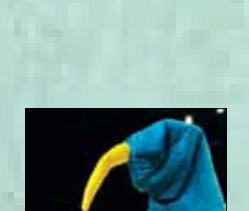

۹) سولوی دماغ
کارگردان: آن کاترین کلت
سولوی دماغ داستان انسان است. شوخ طبعانه ما را به خلق دنیای خیالیمان دعوت می کند. نمایشی دگردیسانه و شاعرانه که جهان را وارونه می کند. این نمایش سرشار از تغییر و دگرگونی است و تخیلش هیچ حد و مرزی ندارد. نمایشی موزیکال و دلپذیر از زندگی.

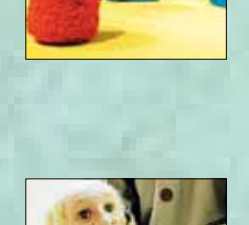

۱۰) تیستو سبز انگشتی
طراح وکارگردان: آزاده پورمختار و هما جدیکار نویسنده: نغمه ثمینی
داستان بچه کوچکی است که انگشتان سبز کننده دارد. تیستو با یاری گل ها به ما یادآوری می کند که مفهوم زندگی چیست و چطور می توانیم بهتر زندگی کنیم.

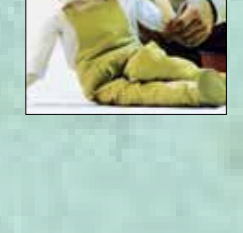

۱۰) زال و سیمرغ
نویسنده و کارگردان: رسول نجفیان
داستان زال و سیمرغ یکی از افسانه‌هایی است که فردوسی حکیم آن را علیه نژاد پرستی سروده است. سام، پهلوان و یل نامی ایران فرزندی ندارد و سخت نگران آینده تخت و بخت خویش است.

فضـــای باز

۱)دار و ندارمو ببین
کارگردان: عرفان خطیب‌زاده نویسنده: علی اصغر خطیب‌زاده
اوسـتا محمد عروسـک‌گردان به علت بیماری زنش و خرج و مخارج آن، قصد فروش عروسک‌هایش را دارد، اما مبارک با سایر عروسک‌ها (خانم طلا، پهلوان، دیو) تصمیم می‌گیرند نمایشی اجرا کنند تا اوستا منصرف شود و...

۲) روبی
نویسنده و کارگردان: امیرحسین شفیعی
روباهی از طرف حیوانات جنگل ماموریت پیدا می‌کند با آمدن به شـهر، نظم زندگی شـهری را برهم زند و با آسـیب‌هایی که انسان‌ها به طبیعت وارد می‌کنند مقابله به مثل کند. او درگیر ماجراهایی تازه در شهر می‌شود و...

۳)خیمه شب بازی سنتی
کارگردان : مرتضی شیخ احمد خمسه‌ای
در ابتدا با آمدن مبارک و شـوخی‌هایش با مرشـد برنامه حالت طنز به خود می‌گیرد. افرادی که در بارگاه سـلیم خان مشغول فعالیت هستند جلوی خیمه می‌آیند و صحنه را تمیز می‌کنند و خبر از آمدن سلیم خان می‌دهند. رامشگران و چهره‌های زن در برنامه با رقصندگی و آواز خود نمایش را جذاب‌تر می‌کنند و ...

۴) صندوق جادویی
کارگردان : ریحانه (فاطمه)باغبادی نویسنده : نسرین اسدی
مبارک عاشق دختر پادشاه می شود.پادشاه ۳ شرط برای ازدواج تعیین می کند، اول اینکه یاقوت قرمز را از الاغ بگیرد،دوم اینکه حلقه گوش اژدهای شهر را بیاورد و سوم اینکه رویش سفید شود...

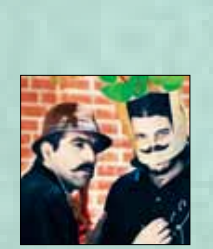

۵) سرزمین زنبورهای عسل
کارگردان: محمدرضا مالکی نویسنده: مریم رها (براساس طرحی از محمدرضا مالکی)
کار با موضوعیت محیط‌زیسـت طراحی شده است. معرکه‌گیری قصه زنبورعسلی را تعریف می‌کند که هرچه تلاش کرده است برای تهیه عسل موفق نبوده و نتوانسته عسل خوبی درست کند، چون طبیعت و زمین آلوده است.

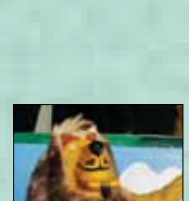

۶) شیری که نوشتن نمی دانست
کارگردان: عبدالحق حق جو نویسنده: مارتین بالت شایت
شیر نوشتن نمی‌دانست ولی باید نامه‌ای می نوشت. پس از بقیه حیوانات کمک می خواهد، حیوانات جنگل هرکدام ایده ای دارند، اما آیا آنها می توانند به شیر کمک کنند؟

نمایش‌های
صحنه‌ای

تکنیکی با ظرفیت‌های فراوان

اکبر حسنی- نویسنده و کارگردان «بادهایی که به ساحل نمی رسند»

اکبـر حسـنی متولـد ۱۳۶۲ اسـت و حـوزه تخصصـی فعالیتش نمایشنامه‌نویسـی اسـت. او از سـال ۱۳۷۸ فعالیت هنری خود را شروع کرده و تاکنون موفق به چاپ چندین نمایشنامه و کارگردانی چند تئاتر شده است و توانسته جوایزی را هم کسب کند.

به نظر من تئاتر عروسکی ژانر محسوب نمی‌شود، تنها یک تکنیک است؛ تکنیکی با ظرفیت‌های فراوان که به عصای محکم و قابل‌اعتمادی اسـت در دسـت کارگردان؛ تکنیکـی که تو با آن تقریبا می‌توانـی به ناممکن‌های اجرایـی در تئاتر فکر کنی. بـرای من مهم‌ترین ویژگی تئاتر عروسـکی تکنیک است. تئاتر عروسـکی همه مرزهای ناممکن را در تئاتر برای من برداشـته اسـت. امیدوارم جسـارت تعبیر نشـود اما ما تنها در پاره‌ای از تولیداتمان در تئاتر عروسکی قابل ارزیابی در شـکل جهانی هستیم. به نظرم مـا در نمایش‌های زمین و چـرخ، ماکاندو، تا یک بشـمار، بیچاره مکبث و سـری اپراهای جناب غریب‌پور و تعداد انگشت‌شـماری دیگر از تولیداتمان در سطح بین‌المللی قابل بررسی خواهیم بود و در بیشتر موارد حتی جایگاه مناسبی در تئاتر ایران هم نداریم.

مهم‌ترین و بارزترین ویژگی این دوره به نظر من شـجاعت، راسـخ بودن در آرا، دانـش مدیریت تخصصی و پیگیـری نیازها و مطالبات هنرمندان شـرکت‌کننده به هر قیمتی بود. صرف‌نظر از اینکه ممکن اسـت خشـم کسـانی را برآرد و جایگاه دبیرخانه را مسـتاصل کنـد، اما همان‌طور که از زنانـی جـرأت‌دار چون مرضیه برومند و زهرا صبری و شـیردلی چون پیمان شـریعتی برمی‌آید تمام تلاش و عـزم دبیرخانه معطوف برگزاری جشنواره‌ای حرفه‌ای بود؛ حفظ شأن و احترام هنرمندان شرکت‌کننده در جشـنواره صرف‌نظر از عواقب آن. پیشـنهاد من همسویی مدیران تئاتر و مدیران فرهنگی با اشاعه این تفکر والا است. احترام و اعتماد به هنرمندان.

سادگی، صداقت، عشق از جنس عروسکی

محمدرضا مالکی- نویسنده و کارگردان «سرزمین زنبورهای عسل»

محمدرضا مالکی بازیگر تئاتر، تلویزیون و سـینما اسـت. وی متولد ۱۳۵۹ و فارغ‌التحصیل آکادمی آناهیتا (اسکویی) است. وی کـه در چند سـال گذشـته کارگردانی نمایش‌هایی چون «پریما در آسمان» و «پینوکیو» را در کارنامه‌اش داشته است، در پانزدهمین جشنواره تئاتر عروسکی تهران- مبارک نمایش «سرزمین زنبورهای عسل» را روی صحنه دارد.

عروسـک در زندگی‌ام همیشه مصداق سادگی و صداقت و عشق بوده اسـت؛ جان‌بخشی به اشـیا و انتقال مفاهیم به وسیله عروسک یا هر وسـیله بی‌جان، باعث شگفتی بیننده و حتی بازی‌دهنده آن می‌شود. گاهی آنگونه که عروسـک با وجـود محدود بودنش در انتقال حس و عواطف و تخیل می‌تواند بر بیننده اثرگذار باشـد، بازیگر روی صحنه نمی‌تواند اثرگذار باشد و تماشاگر به وسیله عروسک وارد دنیای خیال می‌شود، مخصوصا برای اجرای فضای باز هیچ محدودیتی وجود ندارد و به هر شیوه‌ای می‌شود تماشاگر را با قصه و عروسک همراه کرد، حتی با یک عروسـک دستکشی در گوشـه‌ای از پیاده‌رو یا با عروسک‌های غول‌پیکر در خیابان. شیوه‌ای که من برای کار خود طراحی کرده‌ام از نوع معرکه‌گیری است.

این سـومین دوره‌ای است که در فستیوال عروسکی شرکت می‌کنم؛ چه به‌عنـوان بازی‌دهنـده در نمایش‌های صحنـه‌ای و چه به‌عنوان کارگردان در نمایش فضای باز. به نظر من تفاوتی که بین این دوره از فسـتیوال با دوره‌های پیشین وجود دارد، مدیریت اجرایی آن است که به‌صورت کاملا عمل‌گرا هدایت می‌شود و بیشتر عوامل اجرایی آن را خود کسانی تشـکیل می‌دهند که در تئاتر عروسکی فعال هستند و این موجب می‌شـود که پیش‌تولید و برگزاری فسـتیوال از شکل بـی‌روح و صرفا انجام وظیفه اداری در بیاید و به شـکلی پویا و فعال بدل شـود. من به‌عنوان یک عضو خانواده هنرهای نمایشی می‌گویم کـه کار را باید به کاردان سـپرد و بخش‌دولتی تنها می‌تواند حمایت کند نه دخالت.

نشریه روزانه پانزدهمین جشنواره بین المللی
نمایش عروسکی تهران - مبارک

سردبیر: افشین صادقی زاده دبیر تحریریه: الهه حاجی زاده
خبرنگاران: علی رضا کیانی، سوگند نیازمند، پویان فراستی، امیرحسین حسینی، کسری دشتی
مدیر هنری: محمد هاشمی
عکس: رضا معطریان، اختر تاجیک، عبدالرضا نیکو
وب سایت: مژگان طیار
http://www.tehranmobarak.com/fest/bulletin